

بمناسبت هشت مارس  
و  
بمناسبت سال دگر («نو»)

\* نویسنده: حجت برزگر

\* تاریخ: ۱۳۸۳/۱۱/۲۷ (۲۰۰۵/۰۲/۱۵ میلادی)

\* آدرس تماس با اتحادیه مارکسیستها از طریق پست الکترونیکی:

nasim@comhem.se

melh9000@yahoo.com

\* لطفاً از این تاریخ مطالب خود را برای هر دو E-MAIL اعلام شده اتحادیه مارکسیستها ارسال فرمائید.

## بمناسبت هشت مارس

و

## بمناسبت سال دیگر («نو»)

هشت مارس (۱۸ اسفند) که بعنوان روز اعتراض سمبلیک بین المللی علیه ظلم و ستم و بی حقوقی زنان که در اکثر کشورها به تثبیت رسید را تبریک گفته و بایستی تشکل های سیاسی، اجتماعی و تشکل های دفاع از حقوق زنان در جهت برگزاری حرکت های اعتراضی حول مطالبات مشخص سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بطور گسترده اقدام نمایند تا هر چه وسیعتر و سراسری اعتراضات و اتحاد و همبستگی علیه تبعیض جنسی و استثمار در هشت مارس نیز اعلام گردد. زمان مبارزه علیه ظلم و ستم و استثمار فقط در روز و یا شب خاص نیست بلکه هر روز و هر شب زمان مبارزه علیه ظلم و ستم و استثمار است. روز و یا شب خاص، زمان اعلام اتحاد و همبستگی محلی و بین المللی برای خواسته های مشخص است. بنابراین برای هشت مارس امسال چند مطالبه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مشخص را مطرح میکنیم تا در اعتراضات علیه ظلم و ستم جنسی و استثمار مطرح گردد: ۱) برابری حقوقی و اجتماعی زنان و مردان؛ ۲) حقوق برابر در ازاء کار مشابه؛ ۳) لغو قانون پوشش اجباری؛ ۴) لغو قانون جدا سازی زنان و مردان؛ ۵) لغو قانون حجاب؛ و جهت انتخاب مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بیشتر رجوع شود به برنامه اتحادیه مارکسیستها (فراخوان سازمانیابی تشکل مستقل کارگری و اتحاد عمل تشکل های انقلابی).

یکی از اهداف اصلی اتحادیه مارکسیستها سرنگون کردن نظامهای استبدادی و ارتجاعی (در هر شکل دولتی آن که باشد) جهت برقراری نظام دموکراتیک و سوسیالیسم است. این هدف بایستی بصورت شعار سرنگون باد نظام استبدادی برقرار باد نظام دموکراتیک تبلیغ و ترویج شود تا بطور وسیع در سطح سراسری مطرح گردد! بنابراین از آنجائی که رژیم حاکم جزو حکومتهای استبدادی و ارتجاعی است بایستی جهت سرنگون کردن رژیم و برقراری نظام دموکراتیک که تضمین کننده برابری حقوقی همه افراد جامعه یعنی برابری حقوقی ملل، تشکل های سیاسی، حرفه ای و صنفی در جامعه است، سازماندهی بلادرنگ تشکیلاتی وسیع و سراسری هم مخفی (انجمن ها و حوزه های مارکسیستی) و هم علنی (انجمن های صنفی و اتحادیه های حرفه ای محلی و سراسری کارگران و زحمتکشانشان) سازمان داده شوند و همزمان مبارزات روزمره حول مطالبات مشخص اقتصادی و سیاسی بپیش برده شوند.

ما چند مطالبه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را که بایستی بلادرنگ اعتراضات وسیع و سراسری حول آنها سازمان یابند را پیشنهاد میکنیم تا در اعتراضات (راهپیمائی ها و اعتصابات وسیع و سراسری سازمان یافته) مطرح گردند:

۱) قطع فوری غنی سازی اورانیوم و ساختن سلاحهای کشتار جمعی؛ ۲) آزادی بلادرنگ و بی قید و شرط زندانیان سیاسی؛ ۳) آزادیهای سیاسی بی قید و شرط اعم از آزادی بیان، عقیده، مطبوعات، تشکل (یعنی احزاب، سازمانها، انجمن ها، اتحادیه های حرفه ای و شوراها)، تحصن، تظاهرات، اجتماعات، اعتصابات، انتخابات (یعنی شرکت همه تشکل های سیاسی اعم از احزاب، سازمانها و شوراهای سراسری نمایندگان کارگران و زحمتکشان در انتخابات)؛ ۴) پرداخت حقوق بیکاری به بیکاران حداقل معادل حقوق یک کارگر فنی؛ ۵) پرداخت بلادرنگ حقوق معوقه کارگران و زحمتکشان؛ ۶) جدائی کامل مذهب از دولت و آموزش. ۷) برابری حقوق ملل. و جهت انتخاب مطالبات بیشتر رجوع شود به برنامه اتحادیه مارکسیستها.

ضمناً بارها شنیده و خوانده ایم که واژه «دموکراسی» با نظام دموکراتیک اشتباه گرفته میشود. به همین دلیل در اینجا روشن سازیم که معنی واژه «دموکراسی» دولت است و مفهوم نظام دموکراتیک بمعنی شکل و ترتیب هیچ دولت مشخصی نیست بلکه بمعنی برقراری قوانین دموکراتیک در جامعه است تا قانوناً تبعیت اقلیت از اکثریت در فاصله بین دو دوره انتخاباتی سراسری (که حداقل هر چهار سال یک بار برگزار میگردد) رعایت گردد. دولت طبقاتی هر دوره بعد از انتخابات را اکثریتی تعیین میکنند که متشکلاً تحت نامهای مشخص سیاسی (احزاب، سازمانها، سازمان سراسری اتحادیه های حرفه ای و یا شوراهای سراسری نمایندگان کارگران و زحمتکشان) طبق برنامه اقتصادی و سیاسی تشکیلاتی خود که قبل از انتخابات اعلام میکنند رأی اکثریت را با خود داشته باشند.

همچنین ضمن تبریک فرا رسیدن سال دیگر از این فرصت استفاده نموده و تأکید میکنم که در آن مدتی که بخاطر فرا رسیدن سال «نو» دید و بازدید گسترش مییابد از این فرصت مناسب نیز جهت سازمانیابی و سازماندهی انجمن های مخفی مارکسیستی، گروه های مخفی مارکسیستی و سپس حوزه های مخفی مارکسیستی بر مبنای اساسنامه اتحادیه مارکسیستها جهت سرنگونی رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری نظام دموکراتیک به بهترین وجهی استفاده گردد.

انتخاب روز اول فصل بهار برای آغاز سال «نو» بعنوان تاریخ تقویمی از نظر طبیعی معقول تر از انتخاب اول هر فصل دیگری است. اما با وجود این میتوان اول هر فصل و یا هر ماه ای را برای آغاز تاریخ تقویمی سالانه انتخاب کرد. در مناطقی که مردم هر سال یکبار اول فصل بهار را بعنوان آغاز سال «نو» و یا شروع تکرار گردش زمین به دور خورشید جشن میگیرند جنبه و انگیزه «سنتی» ندارد، که امروزه افراد و تشکل هایی آن را جزو افتخارات «ملی» خود میدانند و مدعی اند که این نوع جشن ها جزو «سنت»ها و یا «فرهنگ ملی»شان است. زیرا در گذشته این جشنها بخاطر «سنتی» بودن آن و یا بخاطر کشف آغاز گردش زمین به دور خورشید و یا بخاطر آغاز «روشنائی» از این روز، برگزار نمیگردید بلکه برگزاری جشنها و یا شادی جمعی بخاطر آغاز فصل بهار مانند هر جشن دیگر فقط انگیزه اقتصادی و یا مادی داشته است که امروزه نیز با فرا رسیدن فصل بهار جشن سالانه در سطح سراسری یا کشوری اجرا میشود.

در گذشته در مناطقی با فرا رسیدن فصل بهار بعد از سرمای چند ماهه که باعث تمام شدن آذوقه مردم و علوفه حیواناتشان میگشت و یا رو به اتمام بود، در دورانی که مردم این مناطق تولید اصلی شان از طریق کشاورزی ابتدائی و دامداری ابتدائی بوده است، فرا رسیدن فصل بهار که آغاز روئیدن گیاهها و سرسبز و خرمی طبیعت بوده یعنی بوجود آمدن سرمایه مهم طبیعی برای مردم بوده است و همچنین فصل شروع کاشت و سپس برداشت، جشنهای جمعی برگزار میگردد. ولی امروزه با پیشرفت اقتصادی، دیگر این نوع جشنهای «سنتی» از این زاویه یعنی خلاصی از بی آذوقه بودن و علوفه، ضرورت خود را از دست داده اند و فقط جنبه تفریحی را به خود گرفته اند. بعبارت دیگر امروزه در عمل جشن های جمعی بهاری نه بخاطر آغاز روئیدن گیاهها و درختهای طبیعی که باعث بدست آمدن سرمایه طبیعی همچون آذوقه برای خود و علوفه برای حیوانات باشد بلکه جنبه تفریحی داشته و جزو تفریحات و شادمانی سالانه محسوب میشود.

باوجود اسناد فراوان در این زمینه هنوز افراد و تشکل هایی یافت میشوند که دادووغان سر میدهند که این نوع جشنها جزو «سنن» «دیرینه» «ملت»شان است (گویی «ملت»شان پیوند «خونی» با این نوع جشنها داشته است و بایستی تا ابد بعنوان «سنن ملی» حفظ گردند تا مبادا «دزدیده» و یا نابود شوند، وگرنه همه چیز با نابودی جشنهای «سنتی»شان از بین میرود) و عده ای در تلاش از بین بردن این نوع «سنن» «ملی»شان هستند! آنها سال پس از سال در زمینه «سنن» و «فرهنگ ملی» دائماً به اراجیف گوئی مشغول هستند. با این شیوه اعمال

آنها چنین استنباط میشود که آنها چیز دیگری برای گفتن ندارند. البته چنین افراد و تشکل‌هایی یا دارای دانش تاریخی - اقتصادی نیستند که دائماً «فرهنگ ملی» و یا «سنت» «سنت» میکنند و یا اینکه واقعاً جزو مرتجعین هستند و میخواهند با این شیوه‌ها مانع تکامل و رشد انسانها گردند. ما در لحظه کنونی کمی ملاحظه نموده و خود را به این قانع می‌نمائیم که آنها دارای دانش تاریخی - اقتصادی نیستند. عالیجنابان «سنت» پرست، واقعاً کمی دانش تاریخی - اقتصادی داشتن خوب چیزی است!

اما چنانچه از این بعد این دسته از افراد و تشکل‌ها این نوع ذهنیت ارتجاعی را بعنوان «سنت ملی» و از این نوع خزعبلات و بی‌پایه و اساس تبلیغ کنند نشان دهنده این است که علت نه ناآگاهی و یا بی‌دانشی آنها در زمینه تاریخی - اقتصادی است بلکه بطور واقعی آنها در کنار مرتجعین قرار دارند و آگاهانه مشغول تبلیغ عقب افتاده ترین ذهنیت جهت فریب دادن مردم هستند. بنابراین بایستی شدیداً به نظرات بی‌پایه و اساس آنها در همه جا توسط روشنفکران انقلابی و کمونیستها نقد و برخورد سیاسی گردد تا آنها موفق به فریب دادن توده‌ها جهت رسیدن به هدف پلیدشان که همانا حفظ نظام استبدادی و مالکیت خصوصی است نگردند.

امروزه انتخاب تاریخ تقویمی جنبه علمی ندارد بلکه کاملاً جنبه مذهبی دارد که مرتجعین میخواهند از ورای آن برای حفظ مناسبات طبقاتی خاص خویش استفاده کنند. این مناسبات مناسبات بورژوائی ارتجاعی است.

البته کشیوها با انتخاب اول فصل زمستان بعنوان آغاز سال «نو» که با تاریخ درست شدن مذهب مسیح تنظیم شده میتوانند مانند آخوندها که مدعی اند «جهان را فتح خواهند کرد»! بر خود بالیده و مدعی شوند که بدین طریق یعنی با تغییر تاریخ تقویمی کشورهای دیگر به تاریخ تقویمی میلادی و همراه با جشن‌ها و «سنن» مسخره سالانه آن جهان را فتح خواهند کرد! به هر رو برای نشان دادن اینکه تاریخ تقویمی امروزی بر پایه و بنیاد مذهبی تنظیم شده است میتوان بعنوان مثال هم تاریخ هجری قمری و هم هجری شمسی و هم میلادی را در نظر گرفت تا به این واقعیت پی برده شود. آیا چه مسائلی در تاریخهای تقویمی موجود یعنی تاریخ هجری شمسی، هجری قمری و میلادی نهفته است؟ الف) نفی کامل گذشته و یا کم اهمیت جلوه دادن آن، ب) نفی تکامل، پ) حفظ منافع فرقه مذهبی (طبقاتی). آیا اینطور نیست؟ اگر بطور مشخص تاریخ هجری شمسی را در نظر بگیریم چنین است که در هزار و

سیصد و هشتاد و سه سال پیش مذهب اسلام توسط فردی ساخته شد. دوران قبل از آن تاریخ یعنی قبل از ۱۳۸۳ هجری شمسی هیچ به حساب می آید و هر آنچه که از تاریخ قبل از ۱۳۸۳ سال پیش بجا مانده را نابود کرده و میکنند و هر فردی که تفکر و اندیشه قبل از ۱۳۸۳ سال پیش را داشته باشد و یا اندیشه و تفکر زمان حال یعنی علم را قبول داشته باشد میکشند زیرا مدعی اند که همه مسائل بایستی مطابق با نوشته های قرآن یا «کلام خدا» (یعنی گفته های محمد در شرایط اقتصادی آن دوران) و قوانین اسلامی پیش رود و بس. عبارت دیگر حفظ منافع فرقه مذهب اسلام و سد کامل در مقابل تکامل. و یا اگر تاریخ میلادی را هم در نظر بگیرید باز هم با چنین اندیشه و عملی روبرو میشوید. و یا تاریخهای دیگری همچون تاریخ «۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی» و غیره را در نظر بگیرید باز با چنین تفکر و اندیشه ای با کمی زرق و برق دادن و کمی عقب نشینی در مقابل علم مواجه میشوید. یعنی همه مسائل اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (فرهنگ جامعه یعنی قوانین حاکمه) از آن دورانی که آنها مطرح میکنند آغاز میگردد و مدعی اند که همه تغییر و تحول نیز توسط آنها صورت گرفته و میگیرد و تا ابد بایستی فرقه آنها تصمیم گیرنده باشد و ذهنیت آنها برتر و معتبر است. آیا واقعاً تغییر و تحول اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسط این فرقه ها صورت گرفته و میگیرد؟ و یا تغییر و تحول اقتصادی که با خود تغییر و تحول اجتماعی و فرهنگی را به همراه دارد توسط کارگران و زحمتکشان صورت میگیرد؟ طبق اسناد تاریخی و حاکمیت فعلی این مرتجعین در اکثر کشورها، یعنی با برقراری نظام استبدادی در این کشورها، اثبات شده است که این مرتجعین کاملاً سد عظیمی علیه رشد اقتصادی، تکامل و آگاهی توده ها بوده و هستند.

آنچه که در یک جمله میتوان در زمینه تاریخ تقویمی کنونی گفت این است که تمام تاریخهای تقویمی اعم از میلادی، هجری قمری و هجری شمسی ساختگی و میان تهی هستند، یعنی بر نفی تاریخی - اقتصادی استوارند. عبارت دیگر مدافعین این نوع تاریخها ضد علم هستند. سؤال این است که از کدام دوره تاریخی را باید انتخاب کرد که جنبه نفی تاریخی - اقتصادی را دربر نداشته باشد؟ به این سؤال میتوان بطور مختصر چنین پاسخ داد. تاریخ تقویمی را بایستی با مشورت مورخین، محققین و منجمین تنظیم کرد. میتوان طبق اسناد موجود، تاریخ آغاز اولیه خطی و یا نوشتاری انسانها را برای تاریخ تقویمی انتخاب کرد که خود دارای آموزش عظیم در عرصه تاریخی - اقتصادی است و یا عقب تر از آن را مبنا قرار داد و یا اینکه تاریخ بوجود آمدن کهکشان خودمان را انتخاب کرد. از نظر من در شرایط اقتصادی

فعلی میتوان برای انتخاب تاریخ عقب تر از دوره تاریخ خطی و یا نوشتاری اولیه را به شرایط اقتصادی پیشرفته تری موکول کرد. در هر صورت بایستی تاریخ تقویمی جنبه علمی داشته باشد و نه اینکه بر مبنای تولد افراد، تاریخ بوجود آمدن مذهب و مشابه آن تنظیم شود. عبارت دیگر تاریخ تقویمی بایستی از دوره ای انتخاب گردد که بر مبنای اسناد تاریخی – اقتصادی موجود باشد و حداقل گذشته انسانها و تکامل را نفی نکند.